

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## «اسلوب بکارگیری تمثیل و انواع آن در شعر ناصر خسرو»

ژولیا خانی خلیفه محله<sup>۱</sup>

رویا احمد امرجی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>-دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۲</sup>-استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

تمثیل یکی از مباحث گسترده و پر سابقه‌ای است که به بیان غیرمستقیم معانی و اندیشه‌های شاعران در شعر فارسی می‌پردازد. تمثیل‌های ناصر خسرو هم از حیث ادبی و هنری و هم از جنبه دینی و کلامی و تاریخی از ارزش بالایی برخوردار است. لحن تمثیل‌های ناصر خسرو مانند شاعران پیش از او کاملاً خطابی، آمیخته با پند و اندرز و به شیوه سبک تعلیمی است؛ از این رو از شکل ادبی تمثیل، اسلوب معادله و ضرب‌المثل و از قدرت توصیفی این فنون بلاغی به شیوه درست بهره برده است. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی تحلیلی نگاشته شده است. مقاله‌ی حاضر بر این است تا به این پرسش‌ها پاسخ گوید: هدف ناصر خسرو در خلق تصاویر هنری تمثیل و انواع آن چیست؟ شاعر برای آرایش و تقویت کلام از کدام نوع تمثیل بیشترین بهره را برده است؟

کلمات کلیدی: ناصر خسرو، تمثیل، اسلوب معادله، ارسال المثل

### مقدمه

علمای بلاغت تمثیل را در علم بیان و تمامی کتاب‌های بلاغی خود زیر کلمه تشبیه آورده اند ظاهراً اولین کاربرد آن را قدامه بن جعفر در مفهوم صفت هماهنگی کلمه معنی آورده و در تعریف آن گفته است. «تمثیل آن است که شاعر

khanikhalife@gmail.com-1  
royaamrji@yahoo.com-2

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

برای بیان معنایی به معنای دیگر اشاره کند که معنای دوم از معنای نخستین خبر دهد.» (قدامه بن جعفر ، ۱۳۸۵ : ۲۴۳) تمثیل وظیفه تصویر و روشنگری و مبالغه ی معناست در میان تصاویر شعری، تمثیل و تشبیه از همه پر کاربردترند ؛ چرا که در توضیح و تبیین اندیشه از کارآمدی بالایی برخوردارند.» (فتوحی ، ۱۳۸۹ : ۸۹) اسلوب معادله یکی از ترفندهای زیبای هنری و صورت فشرده یی از تمثیل است. اصطلاح اسلوب معادله نخستین بار « شفیعی کدکنی برای متمایز کردن نوع خاصی از تمثیل ابداع کرده است. » (غلامی بادی ، ۱۳۸۹ : ۴۹) شفیعی کدکنی این آرایه ی هنری را گونه یی ویژه از تمثیل می داند . در این ترفند هنری ی یک مفهوم با دو مصداق متفاوت بیان می شود . برای مثال:

دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست      جای چشم ابرو نگیرد ، گرچه او بالاتر است (صائب)

در بیت بالا، شاعر در مصراع اول می گوید: اگرچه دود از شعله بالاتر می رود، اما ارزش آن به اندازه شعله نیست و بالا رفتن دود سبب کم شدن شأن و ارزش شعله نمی شود. در مصراع دوم ، یک معادل برای مصراع اول می آورد و می گوید : همان طور که اگرچه ابرو بالاتر از چشم قرار دارد ، اما هرگز به اندازه چشم ارزش ندارد و نمی تواند جایگزین چشم شود. بدین گونه می خواهد که منظور خود را برای خواننده باز کند و خواننده سخن او را بهتر بفهمد و بپذیرد. شاعر می گوید: بالا رفتن دود نسبت به آتش، مانند بالا بودن ابرو بر روی چشم است که در هر دو مورد ، آنچه پایین تر قرار گرفته (شعله ، چشم) با ارزش تر از آنچه بالاتر است (دود ، ابرو) ، می باشد و بالا قرار گرفتن ، ملاک با ارزش بودن نیست. می توان گفت که در آرایه اسلوب معادله یا همان آرایه تمثیل، مفهوم مصراع اول و دوم یک بیت با هم برابرند، یا هر دو مصراع به یک پیام و منظور اشاره می کنند و همدیگر را تأیید می کنند. اما اهل بلاغت ارسال المثل را موجب آرایش و تقویت کلام و نیز نشانه قدرت گوینده دانسته اند ؛ از جمله در کتاب فنون بلاغت و صناعت ادبی می خوانیم « گاه باشد که آوردن یک مثل در نظم و نثر یا خطابه و سخنرانی اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه خواننده و شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد. » ( همایی ، ۱۳۳۹ : ۴۷ )

درباره آثار ، اندیشه های ، اشعار و ویژگی های شعری ناصر خسرو از دیدگاههای مختلف پژوهش هایی صورت گرفته است. از پژوهش هایی که در حوزه بلاغت به بررسی اشعار ناصر خسرو پرداخته اند می توان به این موارد اشاره کرد. مقاله ای با عنوان " مضامین تمثیلی در اشعار ناصر خسرو " از ( حسینی و لیلا خیاطان : ۱۳۹۶) روایت های داستانی و آلیگوری به صورت کلی بررسی شده است . دیگر کتابی به عنوان " هرمونیک ، ادبیات گفتگو با متن " (از سپه وند: ۱۳۹۱) تاویل آثار اسماعیلی ناصر خسرو ردیابی شده است ، اما این پژوهش به بررسی تمثیل و انواع آن به اسلوب معادله و ارسال المثل و تفاوت آنها در اشعار ناصر خسرو به شیوه ای توصیفی و تحلیلی پرداخته است .

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## ۱- حکیم ناصر خسروی قبادیانی

زمانی که در پهنه ادب فارسی نظر می افکنیم به افرادی برمی خوریم که دیدگان را خیره می سازند و تحسین برانگیزند. در این میان ناصر خسرو قبادیانی، یکی از پنج حکیم و شاعر بزرگ ایرانی، به چشم می خورد که زندگی پر رمز و رازی داشته است و با روحی آگاهانه و درونی پاک اوراقی از تذکرها و کتب کلامی و ملل را به خود اختصاص داده است.

در شعر ناصر خسرو مشخصات سبک خراسانی به وضوح دیده می شود. همان اندازه که فردوسی به گذشته ایران دلبسته است، ناصر خسرو به اندیشه های مذهبی و اخلاقی (اسماعیلی) سرگرم است و سخن را دارای پایگاهی والا می شمرد که نباید آن را بیهوده صرف کرد. شعر ناصر خسرو در واقع شعری خردمندانه است که احساسات و عواطف در آن زیر نفوذ خرد و قوانین اخلاقی ویژه قرار دارد. ناصر خسرو از برجسته ترین تولیدکنندگان متن هایی است که از مضامین تمثیلی بویژه در اشعارش به شکل قابل توجهی بهره برد است. این شاخصه بزرگ در راه تبلیغ اندیشه و اعتقاداتش است و هدفش ساخت تصویر نیست. از آن جا که یکی از انواع تشبیه، تمثیل است ناصر خسرو به یاری تشبیه تمثیل به آفرینش زمینه های پندارین و فضاهای شاعرانه نائل می شود و این گونه در آسمان ادب فارسی چونان ستاره ای درخشان می درخشد.

## ۲- تفاوت تمثیل با اسلوب معادله و ارسال المثل

### ۲-۱- تمثیل

« تمثیل گونه ی پرورده و گسترده ی تشبیه است و پرمایه ترین و هنری ترین گونه تشبیه همان می باشد. مانروی ( وجه شبه ) در تشبیه تمثیل ویژگی بر آمده از چند چیز است؛ وجه شبه ای پندارین و متعدد می سازد که تمثیل بر بنیاد

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آن ساخته می شود. « (زیبای شناسی سخن پارسی، ۱۳۷۵) در تمثیل، شاعر مطلبی را مطرح و یا ادعا می نماید و برای تبیین آن و یا اثبات ادعای خود، مثلی یا حکایتی می آورد تا بدین وسیله ادعایش را که اغلب امری معقول است، محسوس، مستند نموده و عینیت ببخشد. در تمثیل سفر از نا محسوس به محسوس است؛ زیرا عینی ساختن و مادی ساختن مسائل معنوی و انتزاعی جز از طریق تمثیل برای مخاطبان قابل دریافت نبوده است. عبدالقاهر جرجانی بین تشبیه و تمثیل مرز باریکی قایل می شود، می گوید: «تشبیه عام تر است و تمثیل خاص تر، هر تمثیلی تشبیه است؛ اما هر تشبیهی تمثیل نخواهد بود.» (جرجانی، ۱۳۶۶: ۵۱) با این توضیح تمثیل می تواند به گونه ای فشرده در یک بیت بیاید؛ به نحوی که هیچ واسطه ای نحوی و رابطه ی معنایی میان دو طرف تشبیه دیده نشود.

## ۲-۲- اسلوب معادله

اسلوب معادله، نوعی از تمثیل و معادله یی است که به لحاظ نوعی شباهت، میان دو سوی بیت (دو مصراع) وجود دارد و شاعر در مصراع اول چیزی می گوید و در مصراع دوم چیزی دیگر؛ اما دو سوی این معادله از رهگذر شباهت قابل تبدیل به یکدیگر اند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۸۴) در همه تمثیل ها اسلوب معادله وجود ندارد و اسلوب از گونه های تمثیل است و رابطه بین تمثیل با اسلوب معادله رابطه جز به کل است. یعنی هر اسلوب معادله ای تمثیل هست، اما هر تمثیلی اسلوب معادله نیست.

## ۲-۳- ارسال المثل

ارسال المثل نیز گونه ای از تمثیل است که شاعر برای محسوس ساختن امری معقول، مثلی یا ضرب المثلی می آورد و بدین وسیله فهم موضوع مطرح شده را برای همگان آسان می سازد. «ارسال لمثل آن است که شاعر یا نویسنده در

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بیتی یا عبارتی حکمتی (مثلی) را بیاورد که زبانزد مردم باشد در واقع، مطلبی که مورد نظر شاعر است و در مصراع اول بدان اشاره شده باشد، با آن مثل یا سخن حکیمانه تایید می شود.» (فشارکی، ۱۳۸۵: ۱۲۵)

## ۳- تمثیل

تمثیل در لغت به معنای مثل آوردن، تشبیه کردن چیزی به چیز دیگر و نیز به معنای «نگاشتن پیکر و نمودن صورت چیزی» است. در اصطلاح آن است که شاعر یا نویسنده به تناسب سخن خویش، حکایت، داستان یا نمونه و مثالی را ذکر می کند تا از این طریق، مفاهیم و نظریات خود را به خواننده یا شنونده منتقل نماید و آنچه در این میان مهم است نتیجه ی تمثیل می باشد که می تواند سرمشقی برای موارد متفاوت باشد. به تعبیری دیگر هرگاه برای تأکید یا روشن شدن مطلبی (معمولاً پیچیده) تشبیه کنیم یا برای اثبات موضوعی نمونه ای بیاوریم، آرایه ی تمثیل را به کار گرفته ایم. تمثیل ممکن است در قالب بیت یا داستان و حکایتی ظاهر شود. بیان حکایت های تمثیلی یکی از شیوه های استدلال است که در آن با ارائه ی یک نمونه ی روشن و قابل قبول از موضوعی، حکمی کلی را در آن زمینه نتیجه گیری می نمایند.

ور نه جوان شو که هیچ کل نرهد      جز به جعد سیه ز ننگ کلی

(ناصرخسرو، ق ۲۴۵، ب ۱۲) ۳

چه تازی خر به پیش تازی اسپان؟      گرفتاری به جهل اندر گرفتار

(همان، ق ۹۳، ب ۲۶)

تمثیل از سوی موجب تفهیم پیام شاعر به مخاطب و از سوی دیگر، قانع کردن مخاطب در نتیجه باور پذیری سخن شاعر می شود و از این رو در شعر ناصرخسرو بساد بالایی دارد. در بیت فوق شاعر معتقد است که هیچ انسان کچلی

3- در این پژوهش «ق» بیانگر «قصیده» و «ب» بیانگر «بیت» می باشد.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نمی تواند از این نقص رهایی پیدا کند مگر با جوان شدن و داشتن موهای سیاه. به این ترتیب ناصر خسرو در قالب یک بیت به شیوه های استدلال و روشن و قابل قبول از موضوعی، حکمی کلی را در آن زمینه نتیجه گیری می نمایند

کوتوشه و کورهرت، ای رفته چهل سال      چون آب سوی جوی ز بالا سوی محشر؟

( ناصر خسرو ، ق ۹۸، ب ۳۲ )

شاعر در این بیت به بیان داشتن الگو و راه بلدی درزندگی تاکید می کند، که اگر انسان بدین گونه نباشد هرگز موفق نمی شود درست مثل این هست هم چنانکه، آب هرگز به سمت بالا نمی رسد این شخص بدون رهبر نیز هرگز موفق نمی شود .

به دل بایدت کردن بد به نیکی      چو خر بر جو نباید بود خرسند

(همان، ق ۶۲، ب ۲۱)

اعتقاد شاعر بر این است که پاک بودن وجود آدمی مهم است و با اثبات ادعای خود، مثلی یا حکایتی می آورد تا بدین وسیله ادعایش را که اغلب امری معقول است، محسوس، مستند نموده و واقعی نشان می دهد.

فرعون لعین بی خرد را      بر موسی دور خویش مگزین

مشک تبتی به پشک مفروش      مستان بدل شکر تبرزین

( همان ، ق ۱۷۵، ب ۳۶ و ۳۷ )

ناصر خسرو آگاه هست که آمیختن تشبیه با تمثیل، قدرت توصیف و تصویرگری را چندین برابر می کند به همین خاطر کوتاه ترین راه را انتخاب می کند. و با یک مقایسه مشک و پشک مفهوم اصلی را بیان می کند .

طمع چون کردی از گمره دلیلی؟      نروید هرگز از پولاد شمشاد

( همان ، ق ۵۵، ب ۲۱ )

بیت فوق معادلی است به اینکه انسان از شخص نابینا درخواست آدرس و نشان نمی کند، چون که کاری بیهوده و عبث است .

شرف خویش نیاورد و نیاردت پدید      تا نبوئیش اگر چند ببینیش عبیر

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شرف خیر به هنگام پدید آید ازو چون پدید آمد تشریف علی روز غدیر

(همان، ق ۱۰۸، ب ۲۴ و ۲۵)

تاثیر دید مذهبی ناصر خسرو را می توان در تمثیل هایی که او در حوزه های مختلفی در هم بیامزد و در ضمن ادبی بودن هسته ای منطقی و علمی دارد ارائه دهد. شاعر برای بیان غرض خود از روشی منطقی مبتنی بر تشبیه بهره می گیرد تا میان تصورات پنهان در ضمیر خود و دنیای اطراف رابطه ای قابل درک برقرار کند. فهم این رابطه برای همگان میسر است به همین خاطر پیام شعر و منطق آن دردل و جان جای می گیرد.

جهان مادری گنده پیر است، بر وی مشو فتنه، گر در خور حور عینی

به مادر مکن دست، ازیرا که بر تو حرام است مادر اگر ز اهل دینی

(همان، ق ۲۲۲، ب ۶ و ۵)

در این تمثیل ناصر خسرو دنیا و آسمان را به زنی گنده پیر و یا جادوگر تشبیه شده است و با رویکردی تعلیمی، آدمی را از آن برحذر می دارد.

سخن پیش سخندان گو، ازیرا سرت باید نخست آنگاه دستار

(همان، ق ۹۳، ب ۲۱)

مصراع اول این بیت یاد آور تعبیر « مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد » است و مصراع دوم این بیت هم یعنی در همه امور اصل بر فرع اولویت دارد، و این به صورت یک حکم کلی در نظر گرفته می شود.

جای حکیمان مطلب بی هنر زآن که نیاید ز کدو هاونی!

(همان، ق ۲۳۸، ب ۳۳)

چند ناگاهان به چاه اندر فتاد آنکه او مر دیگری را چاه کند

(همان، ق ۶۹، ب ۹)

نگر کآن چه تخم است امروز کاری همان بایدت خورد فردا ازو بر

(همان، ق ۱۰۲، ب ۳۰)

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

چو همی بدرود این سفله جهان کشته ی خویش بی گمان هرچه که من نیز بکارم دروم

( همان ، ق ۱۶۲ ، ب ۶ )

شاعر در ابیات بالا، با اطمینان این عقیده را بیان می کند که این دنیا انعکاس اعمال ماست هرکسی برای دیگران بدی یا خوبی یا هرکاری را انجام دهد باز خورد اعمالش به خود شخص برمی گردد.

مربخ زاید آهن بد خو را وز آفتاب گفت که زاید زر

برجیس گفت مادر ارزیز است مس را همیشه زهره بود مادر

( همان ، ق ۹۴ ، ب ۲۱ و ۲۲ )

ناصر خسرو در دیوان اشعار روابط و مناسباتی برقرار می کند که بسیار عجیب و غیرممکن است. او عقل کل را با پیامبر و آفتاب و زر ، حجت را با مس و میکائیل ، مغز با ماه و امام با آهن برابری تمثیلی دارد .

به آب روی اگر بی نان بمانم بسی زان به که خواهم نان ز نادان

( همان ، ق ۱۷۹ ، ب ۹ و ۱۰ )

از نگاه ناصر خسرو انسان بلند همت هرگز آخرتش را با دنیا و امور دنیوی جایگزین نمی کند .

دانا به مثل مشک و زو دانش چون بوی یا هم به مثل کوه و زو دانش چون زر

چون بوی و زر از مشک جدا گردد وز سنگ بی قدر شود سنگ و شود مشک مزور

این زر کجا در شود از مشک ازان پس؟ خیزم خبری پرسم از آن درج مخبر

( همان ، ق ۱۰۴ ، ب ۵۳ و ۵۵ )

ناصر خسرو به ستایش افراد صاحب قلم می پردازد . از نگاه او دانش اساس زندگی بشر است همان گونه که طلا در سنگ معدن و بو در مشک اساس هستی آن هاست تشبیه تمثیلی که در این ابیات آمده بسیار ساده مخاطب بدون آگاهی قبلی هم می تواند بدان پی ببرد .

از شاه زی فقیه چنان بود رفتنم کز بیم مور در دهن اژدها شدم



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

( همان ، ق ۱۵۴ ، ب ۲۰ )

شاعر در این بیت به وضعیتی سخت تر و گرفتارتری اشاره می کند، یا به تعبیری از چاله درآمدن و در چاه افتادن و در وضعیت بدتر قرار گرفتن است و شاعر تمثیل را جهت پند و اندرز به مخاطبان خود عرضه می کند.  
به مال و ملک و به اقبال دهر غره مشو که تو هنوز ز آتش ندیده‌ای جز دود

( همان ، ق ۵۱ ، ب ۱۸ )

جهان ناصر خسرو جهانی است زاینده و میرنده و همین سبب اندوه بی پایان او است. و یکی از پر کاربردترین مضامین به کار رفته در دیوانش بحث دنیا و نکوهش آن است و مخاطبینش را از دل‌بستگی به تعلقات و تعینات دنیا برحذر می دارد.

به نرمی ظفر جوی بر خصم جاهل که که را به نرمی کند پست باران

( همان ، ق ۱۷۷ ، ب ۵۸ )

حکیم قبادیانی ملایمت به ملایمت در کارها سفارش می کند که سبب سرانجامی درست و پایانی نجات بخش خواهد بود.

مرغ که در دام پر چنه طمع افگند بخت بد آنگاه خاردش رگ بسمل

( همان ، ق ۱۳۸ ، ب ۲۳ )

برای بیان عقیده خود یعنی قضا و قدر تمثیلی زیبا به کار می برد تا مخاطب را اقناع کند .

هم امروز از پشت بارت بیفگن میفگن به فردا مر این داوری را

( همان ، ق ۶ ، ب ۴ )

سفارش شاعر با کمک تمثیل ، اینکه انسان باید قدر زمان و لحظات عمر خویش را بداند و امورات امروز خویش را به فردا نسپارد.

هرگز ازین عجبتر نشنود کس حدیثی بشنو حدیث و بنشان خشم و ز پای بنشین  
باغی نکو بیاراست از بهر خلق یزدان خواهییش گوی بستان خواهییش نام کن دین

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پرمیوه دار دانا درهای او حکیمان  
وانگه چهار تن را در باغ خویش بنشانند  
تقویم صورت ما کردند باغبانان،  
خوگی بدو درآمد در پوست میش پنهان  
تا باغبان درو بود از حد خویش نگذشت  
چون باغبان برون شد آورد خوی خوگان  
جغد و کلاغ بنشانند آنجا که بود طوطی  
بنگر به چشم عبرت تا خلق را ببینی  
دیوار او ز حکمت وز ذوالفقار پرچین  
دانا به کار بستان یکسر همه دهاقین  
برخوان اگر ندانی آغاز سوره‌التین  
بگریخته ز شیران مانده ذلیل و مسکین  
برگ و گیا چریدی بر رسم خویش و آئین  
برکند بیخ نرگس بشکست شاخ نسرین  
خار و خسک پراگند آنجا که بد ریاحین  
برسان جمع مستان افتاده در مجانین  
( همان ، ق ۱۹۷ ، ب ۱۲ و ۲۳ )

گاهی نیز تمثیل‌های که ناصر خسرو به کار می برد حالتی داستان وار دارند که داستان تمثیلی نیز از ویژگی‌های شعر ناصر خسرو است ، که باعث می شود نیروی خیال در یک جهت تداوم داشته باشد .

## ۴- اسلوب معادله

در لغت به معنی برابری است و در اصطلاح ادبی بیان مطلبی است در دو عبارت مستقل به گونه ای که یکی از طرفین معادلی است برای تأیید طرف دیگر. به عبارتی دیگر هرگاه شاعر بیتی بسراید که با جا بجا کردن مصراع نخست و مصراع دوم آسببی به بیت نرسد و یک مصراع مصداقی برای مصراع دیگر باشد. در این شیوه، شاعر چنان با هنرمندی خود، این کار را انجام می دهد که اگر جای دو مصراع را با هم عوض کنیم، خللی در سخن ایجاد نمی شود. برای درک بهتر این معادله، در بیشتر مواقع می توان در میان دو مصراع مورد نظر، عبارت «همان طور که» را قرار داد. در آرایه اسلوب معادله، گونه ای تشبیه پنهان میان دو مصراع وجود دارد. می توان گفت که در آرایه اسلوب معادله ، مفهوم مصراع اول و دوم یک بیت با هم برابرند، یا هر دو مصراع به یک پیام و منظور اشاره می کنند و همدیگر را تأیید می کنند و می توان بین آن دو مساوی (=) گذاشت یا هر مصراع را به جای مصراع دیگر گذاشت و معنای واحدی دریافت . برای نمونه این بیت مولانا :

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

محرم این هوش جز بیهوش نیست مرزبان را مشتری جز گوش نیست

( مولوی ، ۱۳۶۹: ۱/ ۱۴ )

می توان علامت = بین دو مصراع قرار داد و هر کدام از مصراع ها دو سوی معادله دانست به عبارت دیگر هر کدام از مصراع ها می توان به جای مصراع دیگری قرار داد و معنی واحدی دریافت کرد ، می گوید تنها انسان عاشق محرم اسرار الهی است همانطور که تنها مشتری زبان گوش است . پس تنها مشتری حق هم عاشق است.

پس هرگاه شاعر بیتی بسراید که عوض کردن جای مصراع اول با دوم خللی در مفهوم بیت ایجاد نشود و بیت دوم مصداقی برای بیت نخست ( و یا بر عکس ) باشد ، در آن بیت اسلوب معادله وجود دارد .

این شگرد شیوا از شعر نخستین دوره های ادبیات فارسی تا مکتب هندی به خوبی مشهود است و اکثر شاعران از سبک خراسانی تا به امروز به این ترفند هنری توجه و عنایتی درخور داشته اند هرچند بسامد کاربرد آن در میان همه ی شاعران یکسان نبوده است . به تعبیر حکیم آذر « اسلوب معادله از آنجا که نوعی تمثیل هم است ، خاص همه زبان ها و فرهنگ هاست و در شعر فارسی نمود بارز و هنری یافته است.» (آذر ، ۱۳۹۰: ۱۷۰)

از اهداف کاربرد اسلوب معادله ، تاکید سخن است. کاربرد موثر این فن ، نیازمند آگاهی و اطلاعات بسیار از علوم مختلف است . این ویژگی سبب شده است شاعران افزون بر هدف اصلی ، آن را عرصه فخرفروشی علمی نیز قرار دهند شاعر در این شیوه ، در یک مصراع عقیده ای را بیان می کند و در مصراع بعدی بین سخن پیشین خود و نمونه ای اجتماعی ، طبیعی ، تاریخی ، اساطیری ، روابط ظریف و هنرمندانه ای مبتنی بر تشبیه برقرار می کند .

بار مانند تخم خویش بود سر بیابی ، چو یافتی پایان

( ناصر خسرو، ق ۲۰۱، ب ۲ )

ناصر خسرو از این آرایه در شرح اصل و فرع و نقش هریک، به این ترتیب از آرایه تمثیل استفاده کرده است که تمام شرایط تبدیل شدن به اسلوب معادله را دارد که عوض کردن جای مصراع اول با دوم خللی در مفهوم بیت ایجاد نشود و بیت دوم مصداقی برای بیت نخست ( و یا بر عکس ) باشد ، در آن بیت اسلوب معادله وجود دارد .

آن به که زیر نفرین باشد همیشه جاهل مردار گنده گشته پوشیده به به سرگین

( ناصر خسرو ، ق ۱۹۷، ب ۱۳ )

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

هرگاه شاعر بیتی بسراید که با جا بجا کردن مصراع نخست و مصراع دوم آسیبی به بیت نرسد و یک مصراع مصداقی برای مصراع دیگر باشد. در این شیوه، شاعر چنان با هنرمندی خود، این کار را انجام می دهد که اگر جای دو مصراع را با هم عوض کنیم، خللی در سخن ایجاد نمی شود. برای درک بهتر این معادله، در بیشتر مواقع می توان در میان دو مصراع مورد نظر، عبارت «همان طور که» را قرار داد.

سخن را جای باید جست، ازیرا به میدان در، رود خوش اسپ رهوار

( همان، ق ۹۳، ب ۲۰ )

ناصر خسرو معتقد است که برای اثر گذار بودن سخن باید درپی موقعیتی مناسب برای گفتن آن بود. در مصراع دوم ضمن تشبیهی مضمور و درک شدنی برای همه، تثبیت و تاکید می کند و دو مصراع از نظر صرفی و نحوی کاملا مستقل هستند.

که کرد بهین کار جز بهین کس؟ حلاج نیافد هرگز دیبا

( همان، ق ۱۵، ب ۲۱ )

شاعر معتقد است کارهای بزرگ از انسان های بزرگ بر می آید این مفهوم در مصراع اول بیان و در مصراع دوم به اشاره به حقیقتی تاکید شده است که همه درستی آن را پذیرفته اند. دو مصراع در ابتدا هیچ ارتباطی با هم ندارند؛ اما با اندکی دقت کاملا با هم تناسب معنای دارند و می توان بین آن دو علامت مساوی (=) گذاشت.

طمع چون کردی از گمره دلیلی؟ نروید هرگز از پولاد شمشاد

( همان، ق ۵۵، ب ۲۱ )

ناصرخسرو معتقد است هرگز از انسان گمراه نمی توانی هدایت بشوی همانطور که از پولاد سخت، درخت شمشاد نمی روید. مصراع دوم ضرب المثلی برای مصراع اول است. و دقیقا دو مصراع مثل کف های یک ترازو مساوی هستند.

کور کی داند از روز شب تار هرگز؟ کر بنشناسد آوای خر از ناله زیر

( همان، ق ۱۰۸، ب ۱۹ )

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

همانگونه که کور فرق بین شب و روز را نمی داند، انسان ناشنوا هم آواز خر را با تن صدای بم و زیرش تشخیص نمی دهد. می بینیم دو مصراع عین دو کفه ترازو هستند و می توان جای هر دوی آنها را عوض کرد بدون اینکه خللی در معنا پدید آید.

خطری را خطری داند مقدار و خطر      نیست آگاه زمقدار شهان گاه و سریر  
کور کی داند از روز شب تار هگرز؟      کر بنشناسد آوای خر از ناله زیر  
نه هر آن چیز که او زرد بود زر بود      نشود زر اگر چند شود زرد زیر  
کرم بسیار، ولیکننت یکی کرم کند      حاصل از برگ شجر مایه دینیا و حریر  
مردمان آهن بسیار بسودند ولیک      جز به داوود نگشت آهن و پولاد خمیر  
دود مانده ابر است ز دیدار ولیک      نبود دود لطیف و خنک و تر و مطیر

( همان، ق ۱۰۸، ۱۸ و ۲۳ )

در قصاید شاعران این دوره اسلوب معادله هایی است که در دو بیت ارائه شده اند اما در دیوان ناصر خسرو بیش از دو بیت هم آمده است. ناصر خسرو برای اثر گذاری بر مخاطب و ترغیب وی به پذیرش سخنان خود از اسلوب معادله استفاده می کند.

## ۵- ارسال المثل

استفاده از مثل از دیرینه ترین و رایج ترین شیوه های تأکید سخن در میان فرهنگ ها و ملت ها است. ارسال المثل آن است که شاعر یا نویسنده در ضمن سخن خود، از ضرب المثلی استفاده کند، پس ارسال المثل عبارت است از: آوردن مطلبی حکیمانه در شعر، که نتیجه آن باعث آرایش کلام و تقویت بنیه سخن می شود. در کتاب ترجمان البلاغه رادویانی در تعریف این آرایه آمده است که: « یکی از جمله بلاغت آن است که شاعر اندر بیت حکمتی گوید، آن به راه مثل

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بود. «(رادویانی، ۱۹۴۹: ۸۴) اهل بلاغت ارسال مثل را موجب آرایش و تقویت کلام و نیز نشانه قدرت گوینده دانسته اند.

ناصرخسرو معتقد است اندوختن اندک اندک علم، ویژگی انسان هایی است که نفس متعالی دارند و این نکته طلایی فراگیری علم را در مصراع اول می آورد و در مصراع دوم با آوردن مثلی این نظر را محکم تر می کند.

زی تیر نظر کرد و پر خویش در آن دید      گفتا زکه نالیم که «از ماست که بر ماست»

( ناصرخسرو، ق ۴۴، ب ۴ )

این ضرب المثل ریشه در شعری حکیمانه از ناصر خسرو قبادیانی دارد. این ضرب المثل بر خلاق تفکر عامه و افراد بی مسئولیت که مشکلاتشان را به گردن دیگران یا سرنوشت و زمانه می اندازند، مسئولیت اشتباه را متوجه خود فرد می کند. همانگونه که در آیه ای از قرآن کریم آمده است: «خداوند [سرنوشت] قومی را تغییر نمی دهد مگر این که خودشان تغییر دهند.

خردمندی که نعمت خورد شکر آنش باید کرد      ازیرا کز سبوی سرکه جز سرکه نیاغارد

( همان، ق ۷۶، ب ۲۰ )

در مصراع اول به احساس رضایت برخاسته از استفاده کردن نعمت های الهی که موجب سپاسگزاری انسان خردمند می شود؛ زیرا رفتار انسان نشان از درون اوست، به همین خاطر به بیان این ضرب المثل در مصراع دوم تاکید می کند.

نشودی آن مئل که زند عامه      «مرده به از به کام عدو رسته»

( همان، ق ۲۳۱، ب ۱۸ )

خطا گفته است زی من هر که گفته است      که «مردم بنده ی مال است و احسان»

( همان، ق ۱۷۹، ب ۱۱ )

شاعر با با ذکاوت در دو بیت فوق، مطلبی حکیمانه در شعر آورده، که نتیجه آن باعث آرایش کلام و تقویت بنیه سخن شده است و تاثیر کلام خود را بیشتر کرده است.

کارهای چپ به بلایه مکن      که به دست چپت دهند کتاب

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

تخم اگر جو بود جو آرد بر      بچه سنجاب زاید از سنجاب

( همان ، ق ۱۷ ، ب ۳۶ و ۳۷ )

نکته قابل ذکر و مهم این بیت این است که : شاعر در بیت اول ادعای خود و پیام اصلی شعر را بیان می کند و در بیت دوم برای محکم کردن و تاکید بیشتر ، آن را با دو ضرب المثل همراه می کند. در چنین موارد می گویند ارسال المثلین ، یعنی شاعر سخن خد را با دو ضرب المثل همراه می کند .

مصراع اول یاد آور ، گندم از گندم بروید جو زجو . مصراع دوم هم بیانگر ، کبوتر با کبوتر باز با باز ، کند هم جنس با هم جنس پرواز .

چرا خاموش نباشی چون ندانی      برهنه چون کنی عورت به بازار ؟

( همان ، ق ۹۳ ، ب ۲۵ )

سفارش شاعر به خاموش و ساکت بودن و بیانگر تعلیمی بودن بیت هست و مصراع دوم بیانگر این تعبیر هست که انسان کاری ناپسند را آشکارا در میان جمع انجام دهد یا از روی عمدکاری انجام دهد که مورد سرزنش و استهزاء دیگران قرار بگیرد .

خطا گفته است زی من هر که گفته است      که «مردم بنده ی مال است و احسان»

( همان ، ق ۱۷۹ ، ب ۱۱ )

پیام محوری این بیت این است که انسان بزرگواری دل به مال و احسان هیچ کس نیست بلکه پر تلاش و ساعی است .

## نتیجه

ناصر خسرو «حجت خراسان» شعرش، سرشار از نموده‌های دینی و آکنده از پیام‌های فرهنگی، حکمی و اخلاقی که خاستگاه همه آن‌ها و پیام‌ها ، درد دینی شاعر است که با گرایش شیعی او نیز آمیخته است. به همین سبب، دیوان شعر «ناصر خسرو» ، گنجینه‌ای از آیین و فرهنگ شیعه به همراه بن‌مایه‌های اسلامی- اخلاقی است. غم غربت

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

و آوارگی، زندگی در محیط صخره‌ای یمگان و احساس خشم و بغض نسبت تمام افراد و اقشاری که ناصر خسرو از آنان انتقاد می‌کند و نیز محبت او نسبت به اهل بیت پیامبر (ص) و خلفای فاطمی، در مجموع باعث ایجاد زمینه‌ای عاطفی در شعر او شده‌است که از تمثیل، اسلوب معادله و ارسال المثل به عنوان ابزاری برای تاثیر گذاری و تبیین حکمت متعالی خود استفاده می‌کند. لحن تمثیل‌های او کاملاً خطابی، آمیخته با پند و اندرز و به سبک تعلیمی است. عقل و خرد یکی از شاکله‌های اصلی در شعر و کتاب‌های اوست و آن‌ها را با ارسال المثل‌های زیبا و اسلوب معادل‌های در هم می‌آمیزد تا تاثیرگذاری بیشتری داشته باشد و مردم را به حکمت و دستور العمل‌های حکیمانه ترغیب نماید. در این پژوهش بسامد بالای تمثیل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به عنوان ابزاری پر قدرت و مهم ریشه در اندیشه فکری و و نگرش مذهبی اوست. او توانسته با قدرت شاعری خویش در انتقال مفاهیم دینی و احکام، بیان ارزش‌های اخلاقی در تمام زوایای زندگی، وظایف درست‌بندگی در پیشگاه حق، استفاده درست از علوم زمانه، بی‌اعتباری دنیا، یاری جستن از راهنمایان دین و حکمت‌های رایج زمانه، با آوردن تمثیلات زیبا و انواع آن به خوبی بهره‌بردار و شعرش چون دری گرانبها در پهنه‌ی ادب فارسی درخشان شود.

## مراجع

### الف- کتاب‌ها

- [۱] آذر، محمد حکیم، اسلوب معادله در غزل سعدی، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، تهران، جهاد دانشگاهی سال سوم، شماره نهم، ۱۳۹۰.
- [۲] جرجانی، عبدالقادر، اسرارالبلاغه، ترجمه جلیل تجلیل، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- [۳] زادویانی، محمدبن عمر، (بی تا) ترجمان البلاغه، به اهتمام احمد آتش، استانبول، چاپخانه ابراهیم، ۱۳۴۹.
- [۴] سپه‌وند، عزت‌الله، هرمنوتیک، ادبیات گفتگو با متن، تهران، علم، ۱۳۹۱.



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- [۵] شفیع کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، چاپ هجدهم، تهران، نشر آگاه، ۱۳۶۶
- [۶] غلامی بادی، علیرضا، اسلوب معادله، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره ۲۳، شماره ۴، ۱۳۸۹.
- [۷] فتوحی، محمود، آیین نگارش مقاله ی پژوهشی، چاپ یازدهم، تهران، سخن، ۱۳۹۳.
- [۸] \_\_\_\_\_، بلاغت تصویر، چاپ دوم، تهران، سخن، ۱۳۸۹.
- [۹] فشارکی، محمد، نقد بدیع، چاپ دوم، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۵.
- [۱۰] قدامه بن جعفر، نقد شعر، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، پرسش، ج دوم، ۱۳۸۵.
- [۱۱] کزازی، میر جلال الدین، زیبایی شناسی سخن پارسی ( بیان )، چاپ پنجم، انتشارات سعدی، ۱۳۷۵.
- [۱۲] محقق، مهدی، تحلیل اشعار ناصر خسرو، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
- [۱۳] مولوی، جلال الدین محمدبن محمد، مثنوی معنوی، به تصحیح نیکلسون، تهران، مولی، ۱۳۶۹.
- [۱۴] ناصر خسرو دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران، دانشگاه تهران، ج نهم، ۱۳۹۳.
- [۱۵] همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، علمی، ۱۳۳۹.

## ب- مقاله ها

- [۱۶] کازرونی، خیاطان، مضامین تمثیلی در اشعار ناصر خسرو، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۶.